

## بررسی رابطه ساده و چندگانه نامیرایی نمادین با اضطراب مرگ و

### سپاس‌گزاری

زینب لشنی<sup>۱</sup>، زهره لشنی<sup>۲</sup>، محمدرضا شعیری<sup>۳</sup> و سعیده پناهی<sup>۴</sup>

### چکیده

**هدف:** مطالعه حاضر بررسی روابط بین اضطراب مرگ، نامیرایی نمادین و سپاس‌گزاری بوده است. روش: پژوهش همبستگی می باشد و جامعه آماری شامل دانشجویان دختر «دانشگاه پیام‌نور واحد تهران جنوب» و «دانشگاه آزاد تهران جنوب» بوده است. نمونه شامل ۱۳۵ دختر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای بود. ابزارهای گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسش‌نامه سپاس‌گزاری ( $GQ-6$ )، پرسش‌نامه نامیرایی نمادین ( $SSIS$ ) و مقیاس اضطراب مرگ ( $DAS$ ) بودند. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش آمار توصیفی، آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی ساده انجام شده است. یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین متغیر سپاس‌گزاری و متغیر نامیرایی نمادین، نامیرایی نمادین زیستی-اجتماعی، خلاق، معنوی، تعالی و طبیعی همبستگی مثبت و معنی‌دار بوده است. بین اضطراب مرگ و نامیرایی نمادین رابطه منفی و معنادار وجود داشته است و نامیرایی نمادین پیش‌بینی‌کننده میزان اضطراب مرگ بوده است.

**کلید واژه‌ها:** مدیریت وحشت، نامیرایی نمادین، اضطراب مرگ و سپاس‌گزاری.

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه شاهد، تهران، ابتدای آزادراه تهران-قم، روبروی حرم امام خمینی (ره)، تلفن

و دورنگار: ۰۲۱-۵۱۲۱۲۴۰۴ (نویسنده مسئول)، E-mail: [lashani@shahed.ac.ir](mailto:lashani@shahed.ac.ir)

<sup>۲</sup> کارشناس مشاوره و راهنمایی دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب

<sup>۳</sup> دکتری روانشناسی، عضو هیات علمی دانشگاه شاهد، E-mail: [shairi@shahed.ac.ir](mailto:shairi@shahed.ac.ir)

<sup>۴</sup> کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه شاهد

## مقدمه

هشیاری نسبت به مرگ نشان‌گر پذیرش پیوستگی پدیده‌ها است، و برای انسان متفکر و هشیار به منزله کنشی تاثیرگذار در سرنوشت آدمی است. نقش مرگ در زندگی آدمی غیرقابل چشم‌پوشی است، لازم است که به تنیدگی دائمی بین هشیاری نسبت به مرگ، و میل عمیق به تداوم زندگی اندیشیده شود (منصور، ۱۳۷۹ و درولت<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰). تعارض بین میل به زندگی و دانش درباره اطمینان از مرگ در نظریه مدیریت وحشت<sup>۱</sup> (*TMT*) مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. فهم مرگ اضطرابی وجودی را به همراه دارد که حتی اگر به طور مداوم در ذهن مرور نشود، به طور مرتب رفتارهای انطباقی را در افراد ایجاد می‌کند (گرینبرگ و همکاران، ۱۹۹۷). بر اساس این نظریه، افراد سیستمی از ارزش‌ها و باورها را که به زندگی‌شان هدف می‌دهد، بر می‌گزینند. مانند جهان‌بینی فرهنگی که یکی از مهم‌ترین دفاع‌ها در برابر اضطراب وجودی محسوب می‌شود (علی‌اکبری و همکاران، ۱۳۹۰، گرینبرگ و همکاران، ۲۰۰۱ و اشمایکل و مارتینز، ۲۰۰۵). همچنین، احساس نامیرایی نمادین یکی از پاسخ‌های انطباقی به معمای مبهم و واقعیت ترسناک مرگ، و نیز یک ابزار طبیعی بر اساس فرایند روانی-فیزیولوژیکی است که می‌تواند بهترین کمک برای کنارآمدن با طبیعت دو وجهی وجود یعنی وجودهای محسوس ولی محدود باشد (درولت، ۱۹۹۰). مبتنی بر نظر لیفتن (۱۹۷۹) احساس نامیرایی نمادین از پنج نوع تجربه ارتباطی با دنیا ناشی می‌شود که عبارت‌اند از (۱) «تجربه زیستی-اجتماعی»<sup>۲</sup> که در این تجربه آدمی خود را تداوم والدین و فرزندان خود را استمرار خویشتن می‌داند؛ (۲) «تجربه خلاق»<sup>۳</sup> که کار، آموزش و تمامی تلاش‌ها بدین‌خاطر ارزشمند هستند که آثاری ماندگار یا خلاق دارند؛ (۳) «تجربه معنوی»<sup>۴</sup> که آدمی خود را جزئی از هستی می‌داند که در ورای وجود شخص در سیلان و جریان است؛ (۴) «تجربه تعالی»<sup>۵</sup> که به معنای جستجو و کاوش آدمی برای دستیابی به اوج معنا و استمرار است و فراسوی مرگ حرکت می‌کند. بنابراین، مرگ نیز می‌تواند عروج به سطح متعالی‌تر از حیات باشد؛ (۵) «تجربه طبیعی»<sup>۶</sup> که به معنای ظرفیت آدمی برای غرقه‌کردن خویش در جریان انسانی است. این امر می‌تواند در قالب هر نوع فعالیتی به‌وقوع بپیوندد، از جمله زایمان، ابداع یا خلق یک اثر هنری، تجربه مذهبی،

<sup>۱</sup> Terror Management Theory

<sup>۲</sup> biosocial

<sup>۳</sup> creative

<sup>۴</sup> spiritual

<sup>۵</sup> transcendence

<sup>۶</sup> natural

پیروزی در ورزش یا اوج لذت جنسی. اما برای این که این تجربه متعالی باشد باید در پیوند با چهار رکن دیگر رخ دهد (شعیری و همکاران، ۱۳۸۸).

پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که احساس نامیرایی نمادین با دیگر متغیرهای روان‌شناختی چون نومی، تنفر از زندگی، تمایل به خودکشی (کاتن و رانگ، ۱۹۹۶؛ فلورین و میکولینسر، ۱۹۹۸؛ جنی و همکاران، ۲۰۰۳) رابطه منفی و معنادار؛ و با معنای زندگی، امید و سلامت روانی رابطه مثبت معناداری دارد (درولت، ۱۹۸۶ و ۱۹۹۰). هم‌چنین، متغیر سپاس‌گزاری در پژوهش‌های پیشین، با امید به زندگی (مک‌کلاف و همکاران، ۲۰۰۲، رضایت از زندگی (مک‌کلاف و همکاران، ۲۰۰۲، آدلر و فاگلی، ۲۰۰۵؛ دیکرهوف، ۲۰۰۷)، شادکامی (لشنی و همکاران، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۰، سلیگمن و همکاران، ۲۰۰۵؛ اژگه-گورل، ۲۰۰۷؛ فروح، سفیک و امونس، ۲۰۰۸؛ دیکرهوف، ۲۰۰۷) رابطه مثبت و معنادار و با افسردگی رابطه منفی و معنادار داشته است (مک‌کلاف و همکاران، ۲۰۰۲؛ وود و همکاران، ۲۰۰۸). بر این اساس، از بعد عملی، به نظر می‌رسد که متغیرهایی مرتبط با نامیرایی نمادین و سپاس‌گزاری دارای وجوه اشتراکی در رابطه با سایر متغیرها می‌باشند. هم‌چنین، از بعد نظری، با توجه به تعاریفی که از سپاس‌گزاری می‌شود، دارای وجوه اشتراکی با متغیر جاودانگی نمادین، حداقل در بخش تجارب معنوی و اجتماعی می‌باشد. بدین صورت که، سپاس‌گزاری یک پاسخ هیجانی مثبت خیرخواهانه<sup>۱</sup> در نظام اخلاقی انسان می‌باشد (امونس، ۲۰۰۶) و متغیری اسناد وابسته<sup>۲</sup> است که از یک فرایند دومارحله‌ای شناختی حاصل می‌شود: ۱- تشخیص به‌دست‌آوردن چیزی مثبت و ۲- تشخیص این که دیگری، بعنوان یک منبع بیرونی، در به‌دست‌آوردن آن پیامد مثبت سهیم است (واینر، ۱۹۸۵). روبرتز (۲۰۰۴) مفهوم سپاس‌گزاری را به‌عنوان یک ارزش اخلاقی و مذهبی یاد کرده است. از این رو، سوال بررسی حاضر آن است که آیا بین اضطراب مرگ، نامیرایی نمادین و سپاس‌گزاری رابطه وجود دارد یا خیر؟ هم‌چنین، سوال دیگر بررسی حاضر آن است که آیا بر اساس نظریه مدیریت وحشت، میزان نامیرایی نمادین می‌تواند پیش‌بینی‌کننده وجود اضطراب مرگ باشد یا خیر؟ بر این اساس فرضیه پژوهش حاضر آن است که بین اضطراب مرگ، نامیرایی نمادین و سپاس‌گزاری رابطه وجود دارد و نیز، فرضیه دیگر پژوهش آن است که نامیرایی نمادین می‌تواند پیش‌بینی‌کننده وجود اضطراب مرگ باشد.

<sup>۱</sup> positive response to benevolence

<sup>۲</sup> depend on attribution

## روش

پژوهش حاضر از نوع طرح‌های پژوهش همبستگی و پیش‌بینی بود. جامعه آماری تحقیق حاضر در برگیرنده کلیه دانشجویان دختر «دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب» و «دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب» بوده‌است. در مطالعه حاضر از جامعه دانشجویان دختر «دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب» و «دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب»، ۱۳۵ دانشجوی دختر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب گردیده‌است. ابزارهای گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسش‌نامه سپاس‌گزاری<sup>۱</sup> (*GQ-6*)، مقیاس احساس نامیرایی نمادین<sup>۲</sup> (*SSIS*) و مقیاس اضطراب مرگ<sup>۳</sup> (*DAS*) بوده است.

پرسش‌نامه سپاس‌گزاری (*GQ-6*): این مقیاس توسط مک‌کلاف و همکاران (۲۰۰۲) ساخته شده‌است. مقیاس خودگزارش‌دهی *GQ-6*، تفاوت‌های فردی در گرایش به تجربه سپاس‌گزاری روزانه را در شش ماده و با ۷ درجه لیکرت (۱= به شدت مخالف، تا ۷= به شدت موافق) ارزیابی می‌کند. مک‌کلاف و همکاران (۲۰۰۲) همسانی درونی مقیاس *GQ-6* را در دامنه‌ای از ۰/۷۶ تا ۰/۸۴ گزارش نموده‌اند. مک‌کلاف و همکاران (۲۰۰۲) اعتبار این مقیاس از طریق همبستگی با خودگزارش‌دهی سپاس‌گزاری در طول یک دوره ۱۴ تا ۲۱ روزه را بین ۰/۲۱ تا ۰/۲۵ و معنادار گزارش کردند. هم‌چنین، *GQ-6* با هیجان‌های مثبتی چون رضایت از زندگی، سرزندگی، خوش‌بینی و امید بین ۰/۳۰ تا ۰/۵۰ و با صفات عاطفی منفی چون عواطف منفی، افسردگی و اضطراب همبستگی منفی و معنادار داشته است اما به ندرت بالاتر از ۰/۴۰ بوده است. هم‌چنین، در تحلیل عاملی اکتشافی<sup>۴</sup> (*EFA*) این مقیاس وجود یک عامل را نشان داده‌است (مک‌کلاف، ۲۰۰۲). در بررسی لسنی و شعیری (۱۳۸۹) میزان اعتبار این پرسش‌نامه به روش همبستگی سپاس‌گزاری با متغیرهای عاطفه مثبت، شادکامی و افسردگی و سوال خودگزارش‌دهی مناسب ارزیابی شده‌است و نیز تحلیل عاملی اکتشافی این پرسش‌نامه بیان‌گر این است که پرسش‌نامه از یک عامل اشباع شده و سوال‌های آن ۴۴٪ واریانس مربوطه را تبیین می‌کنند. هم‌چنین، میزان پایایی مربوط به آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۰ گزارش شده‌است و پایایی ناشی از دو نیمه-کردن آزمون برابر ۰/۶۴ بوده است (لسنی و شعیری، ۱۳۸۹). «مقیاس احساس نامیرایی نمادین» (*SSIS*): این مقیاس دارای ۲۶ ماده است که توسط دولت (۱۹۹۰) ساخته شده و پاسخ‌دهی به آن در

<sup>1</sup> Gratitude Questionnaire- 6 Items

<sup>2</sup> Sense of Symbolic Immortality Scale

<sup>3</sup> Death Anxiety Scale

<sup>4</sup> Exploratory factor analysis

یک مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرتی (از ۱= بسیار مخالفم تا ۷= بسیار موافقم) تنظیم شده است. این مقیاس دربرگیرنده پنج خرده مقیاس زیستی - اجتماعی، خلاق، معنوی، تعالی و طبیعی می‌باشد که بیان‌گر نمادهای مختلف احساس نامیرایی نمادین است (درولت، ۱۹۹۰). اعتبار و پایایی این پرسش‌نامه توسط شعیری و همکاران (۱۳۸۸) مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس آلفای کل پرسش‌نامه برابر ۰/۸۸ و آلفای نیمه اول و دوم و ضریب همبستگی دو نیمه به ترتیب برابر ۰/۸۱، ۰/۷۷ و ۰/۸۳ بوده است. «مقیاس اضطراب مرگ» (DAS): این مقیاس توسط تمپلر (۱۹۷۰) برای اندازه‌گیری اضطراب مربوط به مرگ ساخته شده است. مقیاس اصلی دارای ۱۵ سؤال (صحیح و غلط) می‌باشد و نمره بالا، معرف میزان بالای اضطراب مرگ در افراد است. همچنین، تمپلر (۱۹۷۰) اعتبار و پایایی این ابزار را تأیید کرده است. در نمونه ایرانی نیز، رجبی و بحرانی (۱۳۸۰) پایایی دو نیمه آن را ۰/۶۲ و آلفای کرونباخ آن را ۰/۷۳ گزارش کردند. در این مطالعه، در بررسی همبستگی بین سؤال‌ها با نمره کل مقیاس، تنها یک سؤال از مقیاس همبستگی معناداری با نمره کل نداشته (سؤال ۱۴) که در فرم ایرانی حذف گردیده است (رجبی و بحرانی، ۱۳۸۰). اعتبار مقیاس نیز براساس رابطه آن با مقیاس نگرانی مرگ ۰/۴۰ ( $p \leq 0/01$ ) و اضطراب آشکار ۰/۴۳ ( $p \leq 0/01$ ) گزارش شده است (رجبی و بحرانی، ۱۳۸۰). همچنین، رجبی و بحرانی (۱۳۸۰) اعتبار سازه آن را نیز تأیید کرده‌اند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با کمک نرم‌افزار <sup>۱</sup>SPSS-18 و از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی (آزمون همبستگی پیرسون<sup>۲</sup> و رگرسیون خطی ساده<sup>۳</sup>) استفاده شده است.

## یافته‌ها

نتایج توصیفی ارائه شده در جدول ۱ نشان‌گر آن است که ۷۷/۸ درصد شرکت‌کنندگان در تحقیق مجرد، و ۲۰/۷ درصد آنان متأهل بوده‌اند. همچنین، شرکت‌کنندگان در مقطع تحصیلی کارشناسی ۱۲۶ نفر (۹۳/۳ درصد)، کارشناسی ارشد ۵ نفر (۳/۷ درصد) و کاردانی ۲ نفر (۱/۵ درصد) بوده‌اند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان در تحقیق  $4/21 \pm 23/05$  بوده است.

<sup>1</sup> Statistical Package for the Social Science- Version 18

<sup>2</sup> Pearson correlation

<sup>3</sup> Simple Linear Regression

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی مربوط به ویژگی‌های جمعیت شناختی

متغیر	سطح	فراوانی	درصد
وضعیت تاهل	مجرد	۱۰۵	۷۷/۸
	متاهل	۲۸	۲۰/۷
تحصیلات	کارشناسی	۱۲۶	۹۳/۳
	کارشناسی ارشد	۵	۳/۷
	کاردانی	۲	۱/۵
متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	
سن	۲۳/۰۵	۴/۲۱	

جدول ۲ دربرگیرنده شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیر نامیرایی نمادین و نیز خرده مقیاس‌های آن، و سپاس‌گزاری و اضطراب مرگ می باشد. نتایج بیان‌گر آن است که شرکت‌کنندگان در متغیر نامیرایی نمادین دارای میانگین  $۱۲/۳۷ \pm ۹۳/۶۸$ ، نامیرایی نمادین زیستی- اجتماعی دارای میانگین  $۴/۵۱ \pm ۲۹/۴۰$ ، نامیرایی نمادین خلاق دارای میانگین  $۲۵/۴۶ \pm ۴/۹۶$  و نامیرایی نمادین معنوی دارای میانگین  $۱۳/۹۲ \pm ۲/۵۶$ ، نامیرایی نمادین تعالی دارای میانگین  $۱۴/۱۹ \pm ۲/۳۶$  و نامیرایی نمادین طبیعی دارای میانگین  $۱۰/۷۰ \pm ۲/۰۳$  بوده است. شرکت‌کنندگان تحقیق در متغیر سپاس‌گزاری دارای میانگین  $۳۳/۰۶ \pm ۴/۶۰$  و اضطراب مرگ دارای میانگین  $۷/۰۰ \pm ۲/۹۵$  می باشند (جدول ۲).

جدول ۲: ویژگی‌های توصیفی متغیرهای نامیرایی نمادین، سپاس‌گزاری و اضطراب مرگ

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	بیشترین	کمترین
نامیرایی نمادین	۹۳/۶۸	۱۲/۳۷	۱۲۳	۶۳
زیستی- اجتماعی	۲۹/۴۰	۴/۵۱	۳۹	۱۷
خلاق	۲۵/۴۶	۴/۹۶	۳۵	۹
معنوی	۱۳/۹۲	۲/۵۶	۲۰	۷
تعالی	۱۴/۱۹	۲/۳۶	۲۰	۷
طبیعی	۱۰/۷۰	۲/۰۳	۱۵	۶
سپاس‌گزاری	۳۳/۰۶	۴/۶۰	۴۲	۱۹
اضطراب مرگ	۷/۰۰	۲/۹۵	۱۴	۰

نتایج ارائه‌شده در جدول ۳ نشان داده‌اند که همبستگی بین متغیر سپاس‌گزاری و متغیر نامیرایی نمادین مثبت و معنی‌دار ( $P \leq ۰/۰۰۰۱$ ) بوده است. همچنین، بین سپاس‌گزاری با نامیرایی نمادین زیستی- اجتماعی، معنوی، تعالی ( $P \leq ۰/۰۰۰۱$ ) و طبیعی ( $P \leq ۰/۰۰۲$ ) همبستگی مثبت و

معنی دار وجود داشته است. نتایج نشان داد که بین اضطراب مرگ و نامیرایی نمادین رابطه منفی و معنادار ( $p \leq 0/02$ ) و بین اضطراب مرگ و سپاس‌گزاری رابطه منفی و غیرمعنادار وجود داشته است.

جدول ۳: همبستگی متغیرهای نامیرایی نمادین، اضطراب مرگ و سپاس‌گزاری بر اساس آزمون همبستگی پیرسون

متغیر	شاخص	نامیرایی نمادین	زیستی-اجتماعی	خلاق	معنوی	تعالی	طبیعی	سپاس-گزاری
سپاس‌گزار	همبستگی	۰/۸۲**	۰/۸۷**	۰/۶۱**	۰/۷۲**	۰/۵۰**	۰/۱۹*	۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۲	
اضطراب مرگ	همبستگی	-۰/۱۹۰*	-۰/۱۸۸	-۰/۱۴۰*	-۰/۱۷۸*	-۰/۱۵۰	۰/۰۰۲	-۰/۱۲
	سطح معناداری	۰/۰۲۷	۰/۲۹	۰/۰۲۹	۰/۰۲۹	۰/۰۸	۰/۹۷	۰/۱۳

هم‌چنین، برای به دست آوردن تبیین میزان واریانس اضطراب مرگ توسط متغیر نامیرایی نمادین شایسته است به رگرسیون هم‌زمان مربوطه متغیرهای یادشده بپردازیم. جدول‌های ۴ و ۵ بیان‌گر نتایج مرتبط با تحلیل رگرسیون می‌باشد. نتایج مربوط به رگرسیون اضطراب مرگ و نامیرایی نمادین نشان داده است که  $R^2 = 0/04$  می‌باشد که بیان‌گر این نکته است که نامیرایی نمادین می‌تواند ۰/۰۴ درصد واریانس اضطراب مرگ را تبیین کند. هم‌چنین، معناداری F ناشی از تحلیل واریانس مربوطه به رگرسیون بیان‌گر رابطه خطی بین اضطراب مرگ و نامیرایی نمادین می‌باشد. از سوی دیگر t مرتبط با بتای مربوط به متغیر نامیرایی نمادین برابر ۲/۷۱- و معنادار بوده است.

جدول ۴: تحلیل واریانس مربوط به رگرسیون متغیر سپاس‌گزاری و دیگر متغیرها

منبع تغییرات	مجموع مربعات	میانگین مربعات	درجه آزادی	مقدار F	سطح معناداری
رگرسیون	۶۳/۱۹	۶۳/۱۹	۱	۷/۳۸	۰/۰۰۷
باقیمانده	۱۱۳۸/۱۴	۸/۵۵	۱۳۳		
کل	۱۲۰۱/۳۴		۱۳۴		

پیش‌بینی‌کننده: نامیرایی نمادین و متغیر وابسته: اضطراب مرگ

جدول ۵: نتایج مربوط به متغیرهای وارد شده در رگرسیون

متغیر مستقل	B	اشتباه استاندارد	بتا	T	سطح معناداری
نامیرایی نمادین	-۰/۰۵	۰/۰۲	-۰/۲۲	-۲/۷۱	۰/۰۰۷

متغیر وابسته: اضطراب مرگ

## بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان‌دهنده است که بین متغیر سپاس‌گزاری و متغیر نامیرایی نمادین ( $P \leq 0/0001$ )، نامیرایی نمادین زیستی-اجتماعی، خلاق، معنوی، تعالی ( $P \leq 0/0001$ ) و طبیعی ( $P \leq 0/02$ ) همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود داشته‌است. علاوه بر این، نتایج نشان‌داد که بین اضطراب مرگ و نامیرایی نمادین رابطه منفی و معنادار ( $p \leq 0/02$ ) و بین اضطراب مرگ و سپاس‌گزاری رابطه منفی و غیرمعنادار وجود داشته‌است.

بر این اساس، بررسی سوال اول پژوهش یعنی رابطه بین اضطراب مرگ، نامیرایی نمادین و سپاس‌گزاری نشان‌داد که بین متغیر نامیرایی نمادین و سپاس‌گزاری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. چرایی این امر، می‌تواند از بعد نظری مربوط به ماهیت سپاس‌گزاری و نامیرایی نمادین باشد. به‌طوری‌که، سپاس‌گزاری دارای جنبه‌های ارزشی و مذهبی می‌باشد (امونس، ۲۰۰۶ و روبرتز، ۲۰۰۴) که با ماهیت تجربیات معنوی، اجتماعی و متعالی نامیرایی نمادین هم‌سو می‌باشد. هم‌چنین در بعد عملی نیز، هر دو متغیر سپاس‌گزاری و نامیرایی نمادین دارای رابطه مثبت و معنادار با سلامت، امید و شادکامی (لشنی و همکاران، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲؛ مک‌کلاف و همکاران، ۲۰۰۲ و درولت، ۱۹۸۶ و ۱۹۹۰) و رابطه منفی و معنادار با ناامیدی و افسردگی (مک‌کلاف و همکاران، ۲۰۰۲؛ کاتن و رانگ، ۱۹۹۶؛ فلورین و میکولینسر، ۱۹۹۸؛ جنی و همکاران، ۲۰۰۳) بوده‌اند.

در زمینه ارتباط بین میزان اضطراب مرگ با نامیرایی نمادین و سپاس‌گزاری، هر چند که ارتباط هر دو متغیر نامیرایی نمادین و سپاس‌گزاری با اضطراب مرگ یک رابطه منفی بوده‌است، اما این ارتباط فقط بین نامیرایی نمادین و اضطراب مرگ به میزان معناداری وجود داشته‌است. بدین ترتیب، میزان سپاس‌گزاری دارای رابطه مثبت و معنادار با نامیرایی نمادین و رابطه منفی غیرمعنادار با اضطراب مرگ بوده‌است. به نظر می‌رسد که چرایی این مساله با توجه به یافته‌های موجود به‌طور دقیقی امکان‌پذیر نباشد و نیازمند بررسی‌های بیشتر در این رابطه می‌باشد.

و اما، نتایج مربوط به رگرسیون اضطراب مرگ و نامیرایی نمادین نشان‌دهنده‌است که نامیرایی نمادین می‌تواند ۰/۰۴ درصد واریانس اضطراب مرگ را تبیین‌کند و نیز بیان‌گر رابطه خطی بین اضطراب مرگ و نامیرایی نمادین بوده‌است. به‌طوری‌که، میزان نامیرایی نمادین پیش‌بینی‌کننده معنادار میزان اضطراب مرگ بوده‌است ( $p \leq 0/007$ ). نتایج به‌دست‌آمده با نظریه مدیریت وحشت *TMT* هم‌سو بوده‌است و از



آنجا که با توجه به بررسی فلورین و میکولینسر (۱۹۹۸) رابطه بین نامیرایی نمادین و ترس از مرگ تنها در بین افرادی با دلبستگی ایمن به‌طور منفی و معنادار بوده‌است، و نه در افرادی با دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا، می‌توان نتیجه‌گرفت که ممکن است در صورت کنترل میزان دلبستگی افراد، میزان رابطه به‌دست‌آمده حاضر نیز فزونی یابد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود این امر در بررسی‌های آتی مورد توجه قرار گیرد.

به‌طور کلی، نتایج پژوهش حاضر نشان‌داد که بین اضطراب مرگ و نامیرایی نمادین بر اساس نظریه مدیریت وحشت رابطه منفی و معنادار وجود داشته‌است و نیز نامیرایی نمادین پیش‌بینی‌کننده میزان اضطراب مرگ است. بین اضطراب مرگ و سپاس‌گزاری رابطه منفی و غیرمعناداری یافت‌شد ولی بین نامیرایی نمادین و سپاس‌گزاری رابطه مثبت و معنی‌داری مشاهده گردید. بر این اساس، می‌توان نتیجه‌گرفت که نامیرایی نمادین متغیر مهم‌تری در رابطه با اضطراب مرگ بوده‌است و بررسی جایگاه سازه‌های خردتر مانند سپاس‌گزاری در ارتباط با اضطراب مرگ نیازمند بررسی بیشتر می‌باشد.

## تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از تمامی دانشجویان عزیز شرکت‌کننده در پژوهش صمیمانه قدردانی می‌شود.

## منابع

- علی اکبری دهکردی، مهناز؛ اورکی، محمد و برقی ایرانی، زیبا. (۱۳۹۰). بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با اضطراب مرگ و از خودبیگانگی در سالمندان استان تهران. فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰، ص ۶۵.
- رجبی، غلامرضا؛ بحرانی، محمود. (۱۳۸۰). تحلیل عاملی سؤال‌های مقیاس اضطراب مرگ. مجله روانشناسی ۲۰، سال پنجم، شماره ۴، صص ۳۳۴-۳۳۱.
- شعیری، محمدرضا؛ نائینیان، محمدرضا؛ عطری فرد، مهدیه و مرادی، کبری. (۱۳۸۸). بررسی ویژگی‌های مبتنی بر روانسنجی مقیاس احساس نامیرایی نمادین. مجله علوم روانشناختی، شماره ۲۹، دوره هشتم، صص، ۲۶.
- لشنی، زینب؛ شعیری، محمدرضا و اصغری مقدم، محمدعلی. (۱۳۸۹). بررسی اعتبار و پایایی مقیاس سپاس‌گزاری در دانش‌جویان. پنجمین کنگره سلامت روانی دانشجویان. صص: ۳۰۴-۳۰۵.

لشنی، زینب؛ شعیری، محمدرضا؛ اصغری مقدم، محمدعلی؛ گلزاری، محمود. (۱۳۹۱). تاثیر راهبردهای شاکرانه بر عاطفه مثبت، شادکامی و خوشبینی آزمودنی‌های دارای عاطفه مثبت پایین. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال هجدهم، شماره ۲، ۱۶۶-۱۵۷.

لشنی، زینب؛ شعیری، محمدرضا؛ اصغری مقدم، محمدعلی؛ گلزاری، محمود. (۱۳۹۰). تاثیر آموزش راهبردهای شاکرانه بر گسترش عواطف مثبت و شادکامی. مجله روانشناسی بالینی. فصلنامه مطالعات روان‌شناسی بالینی، شماره چهارم، سال اول، پاییز ۹۰، ۱۳۵-۱۵۰.

منصور، محمود. (۱۳۷۹). روان‌شناسی ژنتیک. تهران: انتشارات سمت.

Adler, M. G. & Fagley, N. S. (2005). Appreciation: Individual Differences in Finding Value and Meaning as a unique Predictor of Subjective Well-Being. *Journal of Personality*, 73, 79-114.

Clore, G. L., Ortony, A. & Foss, M. A. (1987). The Psychological foundations of the affective lexicon. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53, 751-766.

Cotton, C. R. & Renga, L. M. (1996). Suicidality, hopelessness and attitude toward life and death in clinical and nonclinical adolescence. *Death studies*, 20, 601.

Dickerhoof, R. M. (2007). Expressing Optimism and Gratitude: A Longitudinal Investigation of Cognitive Strategies to Increase Well-Being. A Dissertation submitted in partial satisfaction of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Psychology. University of California Riverside.

Drolet, J. L. (1986) Psychological sense of symbolic immortality during adulthood, *Dissertation Abstracts International*, 46, 442 IB.

Drolet, J. L. (1990). Transcending death during early adulthood: symbolic immortality, death anxiety and purpose in life. *Journal of clinical psychology*, 46(2), 148-160.

Emmons, R. A. (2006). Does Gratitude Motivate Moral Action? *Precis prepared for the Notre Dame Symposium on Character and Moral Personality*, D. Narvaez, Chair, October 12-14.

Florian, V. & Mikulincer, M. (1998). Symbolic immortality and the management of the terror of death: The moderating role of attachment style. *Journal of personality and social psychology*, 74(3), 725-734.

Greenberg, J., Arndt, J., Schimel, J., Pyszczynski, T., & Solomon, S. (2001). Clarifying the function of mortality salience-induced worldview defense: renewed suppression or

reduced accessibility of death-related thoughts? *Journal of Experimental Social Psychology*, 37, 70–76.

Greenberg, J., Solomon, S., & Pyszczynski, T. (1997). Terror management theory of self-esteem and social behavior: Empirical assessments and conceptual refinements. In M. P. Zanna (Ed.), *Advances in experimental social psychology* (Vol. 29, pp. 61–139). New York: Academic Press.

Jennie, R.Y., Neimeyer, Robert, A. (2003). Death anxiety and attitudes toward the elderly among adults: the role of gender and ethnicity. *Death studies*, 27, 335.

Lifton, R. J. (1979). *The broken connection*. New York: Simon & Schuster.

McCullough, M. E., Emmons, R. A. & Tsang, J. (2002). The Grateful Disposition: A Conceptual and Empirical Topography. *Journal of Personality and Social Psychology* 82, (1), 112-127.

Ozge Gurel, K. (2007). Effects of Gratitude on subjective well-being, self-construal and memory. Submitted to the faculty of the college of arts and sciences of American University in partial fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of philosophy in psychology.

Roberts, R. (2004). The blessings of gratitude: A conceptual analysis. In R. A. Emmons & M. E. McCullough (Eds.), *The psychology of gratitude* (pp. 58-78). New York: Oxford University Press.

Schmeichel, B. J., & Martens, A. (2005). Self-affirmation and mortality salience: affirming values reduces worldview defense and deaththought accessibility. *Personality & Social Psychology Bulletin*, 31, 658–667.

Seligman, M. E. P., Steen, T. A., Park, N. & Peterson, C. (2005). Positive Psychology Progress, Empirical Validation of Interventions. *The American psychological Association*. 60, (5), 410-421.

Templer, D. I. (1970). The construction and validation of a death anxiety scale. *Journal of General Psychology*, 82, 165-177.

Weiner, B. (1985). An attributional theory of achievement motivation and emotion. *Psychological Review*, 92, 548-573.

Wood, A. M., Maltby, J., Gillett, R., Linley, P. A., & Joseph, S. (2008). The role of gratitude in the development of social support, stress, and depression: Two longitudinal studies. *Journal of Research in Personality* 42, 845-871.